

جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک

غلامعباس توسلی، سیاوش قلی پور

(تاریخ دریافت ۸۵/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش ۸۷/۴/۲۴)

این پژوهش، هویت فرهنگی قوم لک را در درون فرایندهای جهانی شدن مورد بررسی قرار داده و براساس ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی لک‌ها، جامعه مورد مطالعه را به چهارگونه شیعه سنتی، شیعه مدرن، اهل حق سنتی، اهل حق مدرن دسته‌بندی کرده است. با استفاده از روش «کیفی» و از طریق مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد اطلاعات لازم را در مورد گروه‌های فرهنگی مذکور گردآوری نموده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که: لک‌ها علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی که در میان خویشین دارند، برخی خصیصه‌های فرهنگی مشترک دارند که مشخصاً بیانگر هویت قومی آن‌هاست؛ آن‌ها بخش دیگری از هویت فرهنگی خود را به شیوه‌ای عام‌گرایانه بازسازی می‌کنند. یعنی با پذیرفتن عناصر مدرن و جهانی در کنار عناصر محلی و قدیمی، ترکیب ظریفی از امر محلی و جهانی را به وجود آورده‌اند؛ تمام عناصر فرهنگی در میان این قوم از قدرت هویت‌سازی همسانی برخوردار نیستند عناصری که در درون فرایندهای قدرت، تفاوت و مقاومت قرار می‌گیرند توان هویت‌سازی بالاتری دارند. مفاهیم کلیدی: جهانی شدن، فشرده‌گی زمان و فضا، هویت قومی، بازسازی عام‌گرایانه، مقاومت.

مقدمه و طرح مسئله

بعد از جنگ جهانی دوم، جهانی شدن^۱ - به عنوان مجموعه‌ای از تغییرات که شدت و عمق بیشتری نسبت به دوران گذشته دارند - با رویکردهای مختلفی نگریسته شده است. برخی نظریه‌پردازان معتقدند که این تغییرات، تمام جهان را به سوی امریکایی شدن یا همگون شدن

1. globalization

جهان سوق می‌دهند. از سوی دیگر، برخی از نظریه‌پردازان برخلاف رویکرد همگون‌سازی معتقدند که جهانی شدن به شیوه‌ای متناقض پیش می‌رود، چراکه با تضعیف هویت‌های ملی، واکنش‌هایی در دو مسیر به جریان می‌افتند. از یک سو میل به فرارفتن از خود و جهانی شدن و از سوی دیگر تمایل به محدود شدن و محلی شدن دارد. در این رویکرد، فرهنگ محلی^۱ مظهر خواست افراد برای رهایی از فرهنگ تحمیلی جهانی، ملی، سنتی و اعتراض به آن‌ها تلقی می‌شود. ممکن است برخی از عناصر فرهنگی جوامع، ساخته خود آن‌ها نباشد و به نحوی از بالا تولید شود ولیکن افراد آن را در جهت خواست‌های جمعی خود تعبیر می‌کنند.

فرایندهای جهانی شدن اقصی نقاط جهان را درنوردیده‌اند، همه جوانب زندگی در دنیای امروزی کم و بیش از فرایندهای جهانی شدن تأثیر می‌پذیرند. گرچه شدت و جدت این فرایندها در جهان کنونی یکسان نیست، تمام مناطق تا حدودی تحت تأثیر آن‌اند. فرهنگ قوم لک هم کما بیش تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته است. بی‌شک هویت فرهنگی این قوم در مواجهه با جهانی شدن دچار تغییراتی شده است. هدف این مقاله بررسی چنین تغییراتی است، همچنین می‌خواهد به دنبال پاسخی برای سؤالات زیر باشد. آیا قوم لک در درون فرایندهای جهانی هضم شده و هویت قومی^۲ خود را از دست داده است یا با استفاده از فضای جهانی شدن به بازسازی هویت فرهنگی خویش پرداخته است؟ کدام عنصر یا عناصر فرهنگی نقش مؤثرتری در هویت‌سازی قوم لک دارند؟

ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی قوم لک

لک‌ها قومی ایرانی اسلامی هستند که از حیث پراکندگی جغرافیایی در شمال غربی و غرب استان لرستان، شمال شرقی و شرق استان کرمانشاه، شمال استان ایلام و جنوب استان همدان قرار دارند. زبان این قوم «لکی» است و در دسته‌بندی زبان‌های ایرانی جزو زبان‌های شمال غربی محسوب می‌شود. (امان الهی بهاروند ۱۳۷۰: ۵۲). راولینسون، تاریخ‌نگار معروف، می‌گوید: «زبان لکی از فارسی باستان مشتق شده که همزمان با زبان پهلوی به‌طور جداگانه و مشخص صحبت می‌شده است.» (۱۳۶۲: ۱۵۵). زبان لکی از لحاظ واژگان، اصطلاحات و جملات غنی است و بسیاری از کلمات آن دارای اوزان عروضی‌اند. لک‌ها آثار مکتوب زیادی در زمینه شعر و ادبیات دارند. موضوع آن‌ها زندگی ائمه اطهار (ع)، نقش دین در زندگی، ستایش طبیعت و امور هستی‌شناختی است. (نک به ایزدپناه، ۱۳۷۶؛ غضنفری، ۱۳۶۲).

1. local culture

2. ethnic identity

از لحاظ مذهب، دو گروه عمده در میان لک‌ها دیده می‌شود: شیعه و اهل حق. گروه اخیر علاوه بر مراسم مهمی همچون سرسپاری (سر تسلیم فرود آوردن در برابر آداب و رسوم فرقه)، جم خانه (نوعی عبادت دسته جمعی که بعد از صرف قربانی، مراسم تنبور نوازی در آن اجرا می‌شود)، اعتقادات متمایزی نسبت به شیعیان دارند. بعد از نبی مکرم اسلام (ص) و حضرت علی (ع)، افرادی همچون بهلول ماسی، شاه فضل علی، شاه خوشین، سلطان اسحاق، پیربنیامین، داوود کبود سوار، پیرموسی، مصطفی قهار، شاه ابراهیم، بابا یادگار و پیر رزبار را نیز گرامی می‌دارند؛ آنان فرقه‌ای اسلامی شیعی هستند که داعیه تبلیغی ندارند؛ علاوه بر مناسک شریعت اسلام، نگرش عرفانی‌ای نیز نزد آن‌ها وجود دارد که به موجب آن، عقیده دارند: «حقیقت در زندگی انسان ساری و جاری است و هر از گاهی تجلی انوار الهی‌اش سبب روشنائی زندگی بشر می‌شود، امروزه نیروهای تاریک و خبیثه به کمک نظام‌های سیاسی و تکنولوژی روی حقیقت را پوشانده‌اند و انسان را از مسیر حقیقت منحرف ساخته‌اند.» (مصاحبه با یکی از بزرگان اهل حق در روستای آبش).

به لحاظ تجربه مدرن شدن، شواهد حاکی از آن است که در اوایل قرن حاضر هنوز ردپایی از مدرنیته^۱ در مناطق لکنشین دیده نمی‌شد. فریا استارک، شرق شناس اسکاتلندی، در همین زمان می‌گوید: «برای آدمی خیلی لذت‌بخش است که گاهی نیز میان افرادی [لک‌ها] برود که زندگی ساده‌ای را پیشه خود ساخته‌اند و به این جهان گذران اعتنائی ندارند. این مردم همان قدر که در فکر تهیه وسایل معیشت نیستند، قصد بهره بردن از خود زندگی را نیز ندارند.» (۶۴:۱۳۶۴).

بعد از اسکان عشایر و به پیرو آن اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ هجری شمسی دهستان‌های الشتر، کوه‌دشت، هرسین و نورآباد به صورت شهر درآمدند و شهرنشینی رونق گرفت؛ نظام دیوان‌سالار از طرف دولت مرکزی در این شهرها تأسیس شدند؛ با ایجاد راه‌های آسفالتی و شوسه، حمل و نقل در میان این شهرها ممکن شد؛ رسانه رادیو نیز در دسترس همگان قرار

۱. گرچه غرب مبدع مدرنیته است اما اکنون تمام جهان را فراگرفته است. متفکران جامعه‌شناسی هر یک به طریقی آن را مفهوم‌سازی کرده‌اند. وبر آن را تسلط عقلانیت، دورکیم آن را صنعتی شدن، زیمل آن را تسلط فرهنگ عینی بر ذهنی و پارسونز آن را تفکیک ساختاری و مارشال برمن آن را عصری می‌داند که در آن همه چیز غیرقطعی است، هیچ چیز مرجع ثابت، عینی و ملموس ندارد. وحدتی تناقض‌آمیز است که از یک طرف می‌سازد و از طرف دیگر ساخته‌های خود را ویران می‌سازد. مفاهیمی چون صنعتی شدن فردگرایی، سکولار شدن، دیوان‌سالاری، شهرنشینی و گسترده‌سازی رسانه‌های تکنولوژیک جدید همراه مدرنیته هستند.

گرفت؛ در طول دهه ۵۰ مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تأسیس شدند؛ در طول دهه ۶۰ با همگانی شدن تلویزیون و رادیو علاقه به تحصیل نیز عمومیت یافت؛ از اواسط دهه ۶۰ تاکنون رسانه‌های جدیدتری همچون لوح فشرده، اینترنت و موبایل نیز در دسترس همگان قرار گرفته است. لک‌ها در مدت ۴ دهه از یک دنیای کاملاً سنتی به درون مدرنیته افتادند. آن‌ها از گذشته جدا نشده بودند و هیچ بحرانی در نظام معرفتی‌شان به وجود نیامده بود که به صورتی کاملاً ناگهانی با مدرنیته برخورد کردند. برخی از آن‌ها هنوز در درون سنت‌های خود مانده‌اند و در مقابل آشنایی با دنیای جدید مقاومت می‌کنند. برخی دیگر، اغلب سنت‌های خود را پشت سر گذاشته و تاکنون جای پای در فرهنگ نوین پیدا نکرده‌اند، آن‌ها همچون شخصیت‌های رمان‌های داستانیفلسفی «از ریشه درآمده و فاقد جهت‌اند» (تسوایک ۱۳۸۳: ۱۳۴). لکستان عرصه حضور سنت و مدرنیته به‌طور هم‌زمان است. مثال بارز این مدعا انتخابات می‌باشد، چرا که با وجود حق رأی و مشارکت در حق سرنوشت خویش، نهاد‌های قبیله، ایل، و خویشاوندی نیز نقش مؤثری ایفا می‌کنند. همراه با ایده‌های مارشال برمن (۱۳۷۹) در مورد مدرنیته توسعه نیافتگی می‌توان گفت: این مدرنیته نیز سراپا کج و کوله، مقطعی، به‌وضوح نافرجام و یا شدیداً مخدوش شده است.

چارچوب نظری

جهانی شدن دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. مقاله حاضر بیشتر به بعد فرهنگی آن توجه دارد. فدرستون^۱ (۱۹۹۵) نظریه‌پردازان جهانی شدن فرهنگی را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند. طرفداران همگن‌سازی و طرفداران ناهمگن‌سازی. گروه اول، آینده جهان را یکدست و تحت سلطه غرب می‌دانند. (کاجرین، ۲۰۰۰ و ایبزن، ۱۹۹۸؛ مک‌گی، ۲۰۰۰؛ آلن، ۱۹۹۵ نقل از فکوهی، ۱۳۸۱؛ ریتزر، ۱۹۹۹). رابرتسون^۲ معتقد است گر چه این رویکرد «مایه‌هایی از حقیقت را در خود دارد اما یقیناً شیوه‌های بروز تضادهای فرهنگی را در سرتاسر جهان در گذشته و حال نادیده می‌گیرد.» (۱۳۸۳: ۶۲). گروه دوم، به تأثیر پیچیده، ناگزیر و متقابل امر جهانی^۳ و امر محلی^۴ تأکید می‌کنند. (رابرتسون، ۱۳۸۱؛ مک‌گروه، ۱۹۹۶؛ هال، ۱۹۹۶). در این گروه هال^۵ بیش از دیگران به تأثیر جهانی شدن بر هویت فرهنگی پرداخته است. بدین خاطر نظریات وی مبنای نظری این پژوهش قرار گرفته است. هال (۱۳۸۳ الف) در بحث

1. Feathwreton

3. The global

5. Hall

2. Robertson

4. The local

«جهانی شدن و قومیت» رویکرد همگون‌سازی در مورد جهانی شدن را نگاهی ساده‌دلانه، بی‌مسئله و فارغ از تضاد می‌داند. وی از دو جهت این رویکرد را مورد نقد قرار می‌دهد. انتقاد اول وی از منظر رخدادهای درون نظام و گفتمان جهانی شدن است. و به بحث سرمایه مربوط می‌شود. سرمایه دریافته است که تنها از طریق سرمایه‌های محلی و به موازات و با مشارکت سایر سرآمدان اقتصادی و سیاسی حکومت کند، تلاش نمی‌کند آن‌ها را از میان بردارد بلکه از درون و به واسطه آن‌ها عمل می‌کند. انتقاد دوم حال از رویکرد همگون‌سازی با هویت‌های محلی است. از نظر وی هویت‌های حاشیه‌ای و یا کلاً مصرف‌کنندگان محصولات فرهنگی منفعل نیستند، برعکس موضعی فعالانه در برابر جهانی شدن اتخاذ می‌کنند. این هویت‌ها در تلاش‌اند که تاریخ و گذشته خود را بیان کنند و روایتی از آن ارائه دهند. به بیان دیگر، خاستگاهی برای بیان خود بیابند. آن‌ها به دو شیوه در برابر جهانی شدن عکس‌العمل از خود نشان می‌دهند. یا حصارى به دور خود می‌کشند تا از گزند زوال ایمن بمانند که «خاص‌گرایی»^۱ نامیده می‌شود و یا می‌کوشند با تفاوت سرکنند و همزمان بر آن فایق آیند که «عام‌گرایی»^۲ نام دارد.

حال (۱۹۹۶) در کتاب «مدرنیته و آینده‌های آن» با الهام از نظریات هاروی^۳، گیدنز^۴، لاکلاو^۵ و بزرگی تغییرات جهانی شدن را فشرده‌گی زمان-فضا^۶، از جاکندگی^۷ و مرکزیت‌زدایی می‌داند. از آن‌جا که زمان و فضا دو تا از مؤلفه‌های هماهنگ‌کننده هر نوع نظام بازنمایی از جمله هویت هستند، بدین جهت می‌توان گفت که جهانی شدن بیشترین تأثیر را بر روی هویت‌های فرهنگی دارد و هویت‌سازی سنتی را با بحران مواجه می‌کند. در عصر روشنگری هویت یکپارچه و منسجم بود در درون آن خودکفایی دیده می‌شد، اما نظام‌های اندیشه‌ای همچون مارکسیسم، فرویدیسم، زبان‌شناسی سوسور، نظریه‌گفتمانی فوکو، فمینیسم و همچنین عدم ثبات هویت‌های ملی و کم‌رنگ شدن هویت‌های عظیمی چون طبقه، نژاد و ملت نقش مؤثری در مرکزیت‌زدایی هویت یکپارچه مدرن ایفا کردند. هویت دیگر آن مقوله تمام و کمال و ذاتی نیست، هیچ مرکزیت و ذاتی ندارد، به جای این‌که بیولوژیکی باشد گفتمانی است. بنایی است که در روابط ساخته می‌شود. انعطاف‌پذیر، باز، چندپاره و ساختار آن همیشه دوسویه است. بدین معنی که در درون آن همیشه «غیر» یا «دیگری» وجود دارد. هویت با مردمانی که شبیه یکدیگرند سروکار ندارد، به منزله روایت همیشه از دیدگاه غیر و یا از خلال سکوت‌های

1. particularism
3. Harvey
5. Laclau
7. disembedding

2. universalism
4. Giddens
6. time-space compression

دیگران بیان می‌شود. هویت پیوندی جدانشدنی با قدرت و تفاوت دارد. حال تأثیر جهانی شدن بر هویت‌های فرهنگی را در سه سطح هویت ملی، هویت فوامدرن جهانی و هویت محلی پیگیری می‌کند. نخست، این‌که هویت ملی مقوله‌ای ازلی نیست که هنگام تولد با فرد زاده شود و به عنوان بخشی از ذات ماهوی وی باشد. هویت ملی یک تمهید گفتمانی برای در کنار هم قرار دادن تفاوت‌های فرهنگی است. دوم، جهانی شدن فرهنگ فوامدرن جهانی و هویت‌های مشترکی بین ملت‌ها به وجود می‌آورد. مصرف لباس‌های جین، موسیقی‌های راک، هوی متال،... و غذا نمونه‌هایی از این فرهنگ هستند. سوم، هویت محلی است که در آن دوشادوش تمایل به سمت فرهنگ جهانی تمایلی به تفاوت، قومیت و امر محلی نیز دیده می‌شود. هویت‌های محلی که تا دیروز امکان ابراز وجود نداشتند امروز با سرعتی فوق‌العاده خود را مطرح می‌سازند. این هویت‌ها تاریخ پنهان خودشان را باز می‌یابند و آن را از آخر به اول روایت می‌کنند. آن‌ها دریافته‌اند که تاریخی دارند و می‌توانند آن را بازگو کنند چرا که هیچ وقت فرصت روایت کردن آن را نداشته‌اند. هویت‌های حاشیه‌ای در تلاش برای پیدا کردن ریشه خود دنبال کسب جایگاهی از طریق تاریخ پنهان‌شان برای بیان خود می‌گردند. این اشتیاق و طلب ریشه‌ها و کسب جایگاه همان قومیت است. حال (۱۳۸۳ ب) در مقاله هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید می‌خواهد نشان دهد که این بازگشت به گذشته منطبق بر منطق جهانی شدن است. یعنی مسائل امروزی دیگر در روایت محدود قومیت سنتی نمی‌گنجد. نمی‌توان به گذشته برگشت و از چیزی کهن دفاع کرد. هویت‌های جدید نیاز دارند که از طریق فناوری جدید در ورای مرزها و افق‌های سنتی و بی‌واسطه سخن بگویند. از این روی هیچ اصالت فرهنگی به معنای دست نخوردگی و بکر بودن وجود ندارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش بررسی این پژوهش روش «کیفی» است. این روش به جای توجه به مدل خطی (...، فرضیه، متغیر، عملیاتی کردن،...) متأثر از دور هرمنوتیکی (دیالکتیک جزء و کل) به رفت و برگشت‌های تفسیری میان عناصر یک متن (فرهنگ قوم لک) توجه دارد. تمام عناصری که به بازنمایی هویت آن‌ها کمک می‌کند مهم هستند. بنابراین مشاهده آثار هنری، آداب و رسوم و عناصر فرهنگی، بررسی اسناد و مصاحبه با افراد آگاه تکنیک‌های گردآوری اطلاعات هستند. تعریف مفاهیم و شاخص‌های مناسب برای عینیت بخشیدن به آن‌ها: متفکران مختلف هر کدام با توجه به دیدگاه نظری، تعاریف متعددی از جهانی شدن ارائه می‌دهند. براساس دیدگاه نظری مقاله، تعریف حال را مد نظر داریم. «مجموعه فرایندهایی که در مقیاس جهانی عمل می‌کنند،

مرزهای ملی را درمی نوردند، اجتماعات و سازمان‌ها را از طریق ترکیبات جدید زمان و فضا یکپارچه می‌سازند و جهان را در واقعیت و تجربه مرتبط می‌سازند. جان استوری دو مولفه مهم را برای عینیت بخشیدن به تعریف مذکور بیان می‌دارد: سفر و رسانه‌های الکترونیک جدید. (۱۹۹۶: ۳۱۳). بنابراین مهاجرت و میزان دسترسی به ماهواره، تلویزیون، لوح فشرده و اینترنت مواردی برای ارزیابی جهانی شدن فرهنگی هستند.

هویت قومی به «دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی گفته می‌شود که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کنند. اعضای گروه‌های قومی خود را از نظر فرهنگی متمایز از گروه‌بندی دیگر در جامعه می‌دانند و دیگران نیز آن‌ها را همین‌گونه می‌دانند» (کیدنز، ۱۳۸۰: ۲۷۸). هال (۱۳۸۳ ب) با پذیرفتن این‌که هویت قومی در تقابل با دیگر هویت‌های جمعی شکل می‌گیرد، معتقد است که قومیت «بازگشت به رگ و ریشه‌های کهن و تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت در یک گروه قومی از خویش دارد. هویت مذکور از طریق مقایسه‌هایی شکل می‌گیرد که از طریق آن درون گروه با بیرون متمایز می‌شود». هال (۱۹۹۶) و گل محمدی (۱۳۸۱) زمان، مکان و فرهنگ را مؤلفه‌های هویت می‌دانند. از آن‌جا که فرهنگ مفهومی گسترده است و نمی‌توان آن را محدود کرد، به پیروی از مقاله فکوهی در «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی» (۱۳۸۱)، مفهوم سبک زندگی را با گروهی از مؤلفه‌های اساسی آن (مصرف تلویزیون، لوح فشرده، موسیقی، غذا، لباس، دکوراسیون منزل، مراسم ازدواج، شیوه همسرگزینی، نام‌گذاری کودکان، مشارکت سیاسی و احساس تعلق زبانی) را در نظر گرفتیم تا فرهنگ را در گویاترین و محسوس‌ترین شکل آن مورد توجه قرار داده و سطوح هویتی را در حقیقت سطوح تعلق فرهنگی و هویت فرهنگی در نظر بگیرد. در بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی، رفتار و عمل خرید مد نظر نیست، بلکه معنایی که کنشگران برای رفتار خود قائل هستند و همچنین ارزیابی و فهم آنان از اشیاء مصرفی و دیگر مؤلفه‌های سبک زندگی اهمیت دارد.

گونه‌شناسی و نحوه انتخاب افراد نمونه: هیچ جامعه‌ای یکپارچه و همگن نیست. لک‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. می‌توان آن‌ها را براساس متغیرهای ساختاری مانند طبقه، شغل و... طبقه‌بندی کرد. اما از آن‌جا که این مقاله به هویت فرهنگی توجه دارد آن‌ها را براساس متغیرهای فرهنگی‌ای مانند «گفتمان مدرنیته» و «گفتمان مذهبی» گونه‌شناسی نمودیم.^۱ در مورد اول، آن‌گونه که در ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی بیان شد. ورود عناصر مدرن به سرزمین لک‌ها آن‌ها را به دو گروه سنتی و مدرن تقسیم‌بندی کرده است. برای تشخیص آن دو از همدیگر

۱. به نظر می‌رسد هویت فرهنگی در جامعه مورد مطالعه بیشتر تحت تأثیر تمایزات فرهنگی است تا تمایزات ساختاری. (توضیحات بیشتر در بحث دکوراسیون منزل آمده است.)

براساس شواهد عینی همچون موقعیت شغلی، میزان تحصیلات، پوشش ظاهری، پرس و جواز اطرافیان و آشنایان و همچنین تجارب شخصی در جامعه مورد مطالعه اقدام نمودیم. در مورد دوم، تمایز و شناسایی دو گروه مذهبی به خاطر مراسم و مناسک و پوشش خاص چنددان دشوار نبود. بنابراین آن‌گونه که در جدول شماره ۱، نمایان است.

جدول شماره ۱. مشخصات نمونه‌های انتخابی

تعداد	میزان تحصیلات و موقعیت شغلی نمونه‌های انتخابی	گفتمان مدرنیته	گفتمان مذهبی
۸	کسبه بازار، کشاورزان و افرادی که تحصیلات کمتر از دیپلم دارند	سنتی	اهل حق
۷	دانشجویان سال آخر و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها	مدرن	
۱۳	کسبه بازار، کشاورزان و افرادی که تحصیلات کمتر از دیپلم دارند	سنتی	شیعه
۱۵	دانشجویان سال آخر و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها	مدرن	

براساس متغیر اولی دو گروه سنتی و مدرن و براساس متغیر دومی دو گروه مذهبی اهل حق و شیعه، از ترکیب آن‌ها چهار گونه اهل حق سنتی، اهل حق مدرن، شیعه سنتی و شیعه مدرن به دست آمد.

وضعیت جهانی شدن در جامعه مورد مطالعه

قبل از آشنایی با مدرنیته (یعنی قبل از دهه ۴۰) لک‌ها در جوامع قطعی زندگی می‌کردند. (برای اطلاع بیشتر در مورد جوامع قطعی نگاه کنید به دورکیم، ۱۳۸۴) در این اجتماعات جدا از هم، فرد ممکن بود تا آخر عمر محدوده تولد خود را ترک نکنند. با گسترش راه‌ها و ورود ماشین‌های حمل و نقل جدید ارتباط میان اجتماعات بسته زیاد شد و مرزهای متصلب آن‌ها فرو ریخت. مهاجرت به شهرهای اطراف، مهاجرت‌های فصلی به شهرهای بزرگ، مهاجرت برای تحصیل، مشاغل جدیدی همچون نظامی‌گری که فرد را از موطن خود دور می‌سازد، تجارت کم‌دامنه منطقه لکستان و مسافرت‌های سیاحتی و زیارتی از جمله عوامل تحرک فیزیکی هستند که در نتیجه آن لک‌ها با فرهنگ‌های دیگر آشنا شدند. «گرچه افزایش تحرک فیزیکی جنبه فرهنگی مهمی از مدرنیته جهانی به‌طور کلی هست لیکن درست آن است که بگوییم بیشتر مردم غالباً تأثیر جهانی شدن را نه در سفر بلکه با ماندن در خانه احساس می‌کنند» (تاملینسون ۲۰۷:۱۳۸۱). این مقوله بیشترین تأثیر را بر هویت دارد و اکثر مردم چه فقیر و چه غنی آن را تجربه می‌کنند. نتایج مطالعات میدانی در جامعه مورد مطالعه که در جدول شماره ۲، آمده

است. نشان می‌دهد که رسانه‌های ماهواره، تلویزیون، لوح فشرده و اینترنت در میان لک‌ها رواج دارد. اهل حق‌ها تمایل کمتری به مصرف رسانه‌ای دارند. برای تبیین این امر، بحث‌های و بر (۱۳۸۲) در مقاله «عینیت در علوم اجتماعی و سیاست اجتماعی» راه‌گشاست. از نظر وی یک پدیده تکرارپذیر و قاعده‌مند زمانی دارای عینیت است که با ارزش‌های فرهنگی آن جامعه مرتبط شود. پیش‌تر مطرح شد که اهل حق‌ها تکنولوژی‌ها را ابزارهایی می‌دانند که در دست نیروهای تاریک و خبیثه قرار دارند و توجه به آن‌ها فرد را از حق و حقیقت دور نگاه می‌دارند. تأثیرات این آموزه است که سبب می‌شود آن‌ها کمتر از شیعیان مصرف‌کننده محصولات رسانه‌ای باشند.

جدول شماره ۲. گونه‌شناسی پاسخ‌گویان برحسب دسترسی به رسانه‌ها و میزان مصرف آن
برحسب نوع رسانه

رسانه	گونه‌های گفتگویی	اهل حق سنتی	اهل حق مدرن	شیعه سنتی	شیعه مدرن
ماهواره	میزان دسترسی	-	تعداد کمی	-	تعداد کمی
	میزان و نوع مصرف	-	متوسط؛ تماشای برنامه‌های هندی و فارسی	-	زیاد؛ بیشتر برنامه‌ها
تلویزیون	میزان دسترسی	همگانی	همگانی	همگانی	همگانی
	میزان و نوع مصرف	کم؛ اخبار و مسابقات ورزشی	کم؛ اخبار و مسابقات ورزشی	متوسط؛ اخبار، مسابقات ورزشی برخی سریال‌ها	کم؛ اخبار و مسابقات ورزشی
لوح فشرده	میزان دسترسی	همگانی	همگانی	همگانی	همگانی
	میزان و نوع مصرف	زیاد؛ فیلم‌های لکی و موسیقی کلام حق	زیاد؛ فیلم‌های هنری و موسیقی عرفانی	زیاد؛ محصولات عامه‌پسند هندی، لکی و موسیقی‌های محلی	زیاد؛ فیلم‌های هالیوودی و محصولات محلی و موسیقی
	میزان دسترسی	-	کم	کم	زیاد
اینترنت	میزان و نوع مصرف	-	کم؛ مراجعه به سایت‌های اهل حق	کم؛ در حد کسب اطلاعات و جست‌وجوی سایت لکستان	زیاد؛ مراجعه به سایت لکستان جست‌وجوی سایت دیگر

(منبع، داده‌های میدانی براساس مصاحبه و مشاهده، ۱۳۸۴)

جهانی شدن و هویت‌سازی سنتی

جهانی شدن با تغییر دادن مؤلفه‌های زیر هویت‌سازی سنتی را با بحران مواجه می‌کند: مکان-فضا؛ این دو در جوامع سنتی با هم منطبق‌اند، روابط تنگاتنگی با هم دارند و تعریف عملکردهای اجتماعی براساس مکان صورت می‌گیرد. مکان «تمتایز بودن، مرزبندی، ثبات و احساس همبستگی به وجود می‌آورد» (گل محمدی ۱۳۸۱؛ مورلی ۱۹۹۶). و فضا را که سیال و ناپایدار است در درون خود محصور می‌کند. جهانی شدن با جدا کردن فضا و مکان پیوند میان فعالیت‌های اجتماعی و جایگیری آن‌ها در زمینه‌های حضور را از بین می‌برد. در نتیجه «مکان تهی و یکنواخت می‌شود.» (گیدنز ۱۳۷۷: ۲۵). و فضا در پهنه‌های گسترده‌تری رها و مشخص بودن آن از بین می‌رود.

زمان-فضا: تداوم زمانی گذشته، حال، آینده نقش مؤثری در هویت‌سازی سنتی داشت، از آن‌جا که زمان و مکان با هم هماهنگ بودند زمان به خوبی کارکرد تداومی خود را ایفا می‌کرد و آگاهی از گذشته را برای افراد ممکن می‌نمود. فشردگی زمان-فضا همان‌گونه که فضا را از قید مکان رها کرد زمان را نیز چنان فشرده نمود که تداوم آن از بین رفت و دنیایی لحظه‌ای را به وجود آورد که کاستلز (۱۳۸۰ الف: ۵۳۴) آن را زمان بی‌زمان می‌نامد.

فرهنگ: فرهنگ در جوامع سنتی به خوبی کارکرد همانندسازی، تفاوت آفرینی و معنابخشی خود را انجام می‌داد. فرهنگ همچون فضا با مکان منطبق بود و به ابتدای آن مرزهایش را شفاف، محدود و ثابت می‌نمود. مکانمند بودن فرهنگ سبب می‌شد که ابژه فرهنگی یک قوم کمتر در بیرون رواج یابند. جهانی شدن از طریق «از جا کنندگی» فرهنگ‌ها را از محل جدا ساخت، توانایی فرهنگ در هویت‌سازی سنتی را از بین برد و سبب شد که فرهنگ‌های متعددی در محل حضور یابند.

عوامل مذکور هویت‌سازی سنتی را با نوعی بحران معنا مواجه می‌سازند و از آن‌جا که «هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است» (کاستلز ۱۳۸۰ ب: ۲۲). مردم نمی‌توانند برای مدت زیادی در شرایط بحران هویت به سر ببرند. بنابراین دست به بازسازی هویت خویش می‌زنند. نکته جالب توجه این‌جاست که جهانی شدن امکانات جدیدی را برای بازسازی هویتی ارائه می‌دهد.

بازسازی هویتی

زمان: لک‌ها در آثار مکتوب دهه اخیر، در حال بازسازی تاریخ چند صد ساله خویش هستند. نمونه بارز این ادعا کتاب بومیان دره مهرگان (۱۳۷۹) است. پس زمینه طرح روی جلد با

خط میخی و آخرین نفر به بند کشیده شده در کتیبه بیستون که گمان می‌رود لک بوده، مصور شده است. مؤلف کتاب، تاریخ لکستان را با استفاده از کشفیات مردم‌شناسی بیستون به ۴۰ هزار سال پیش می‌برد، وی لک‌ها را قومی اصیل و جزو اولین اقوام بومی ایران می‌داند. نتایج مصاحبه‌ها در جدول شماره ۳، نشان می‌دهند که متغیر گفتمان مدرنیته در بازسازی ریشه تاریخی قوم لک مؤثر است.

جدول شماره ۳. گونه‌شناسی پاسخ‌گویان برحسب تلقی شان از زمان تاریخی

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	تلقی از گذشته تاریخی
شیعه	سنتی	گنگ و ازلی
	مدرن	روشن و ازلی
اهل حق	سنتی	گنگ و ازلی
	مدرن	روشن و ازلی

لک‌های سنتی تلقی روشنی از گذشته تاریخی خود ندارند اما در هر حال آن را قومی ازلی می‌دانند. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان می‌گویند:

قوم لک خیلی قدیمی‌اند، از زمان حضرت آدم تا حالا لک بوده و هست.

(حاجی‌علی، کاسب)

از زمان الست بریکم ما لک‌ها بوده‌ایم اما من نمی‌توانم تاریخ دقیق آن را به شما بگویم این را باید از تحصیل کرده‌ها بپرسی.

اما لک‌های مدرن از طریق دلایل باستان‌شناختی، نشانه‌شناختی و زبان‌شناختی گذشته‌ای رویایی و زیبارا برای خود ترسیم و تداوم تاریخی آن را حفظ می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت:

لک‌ها قطعاً همان باستانی‌های کهن هستند، این امر با توجه به ریشه‌شناسی واژگان لک به وضوح پیداست. بسیاری از این واژگان به نیای زبان هند و اروپایی می‌رسد مانند: ژن، زن، دت، دختر، سیوین، آفتاب‌زدگی برگرفته از آسور، سویر در آیین ریگه ودا یعنی خورشید و سویری یعنی آفتاب‌زدگی و یا سرپند» [چیزی که در میان لک‌ها و به‌ویژه اهل حق‌ها رواج دارد] (که همان (سرپنده) باستانی است علاوه بر این زبان لکی نیز همچون زبان اوستا ۳۰ صامت و ۱۴ مصوت دارد و خیلی موارد دیگر. (بهادر، زبان‌شناس)

نکته قابل توجه در این بخش تفاوت اهل حق‌های مدرن با شیعیان مدرن است. گروه اول سعی دارند در این بازسازی بزرگان آیین خودشان را از طریق مباحث عرفانی با اسطوره باستان در هم آمیزند. در صورتی که شیعیان بسیاری از بزرگان اهل حق رانمی‌شناسند و در بازسازی مذکور مستقیماً سراغ اسطوره‌ها می‌روند. در هر حال آن‌ها با این عمل بحران هویت ناشی از زمان حال بی‌پایان را ترمیم می‌کنند. عملی که امروزه اکثر هویت‌های جمعی به آن مبادرت می‌ورزند. این بازگشت به گذشته همان «اختراع سنت» هابزباوم (۱۹۸۳)، «گشتن به دنبال رگ و ریشه تاریخی» هال (۱۳۸۳ الف و ب) و «بازگشت همه چیز به خانه» مارشال برمن (۱۳۷۹) است.

مکان: بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که علی‌رغم کوشش نویسندگان لک در مستتب کردن برخی خاطرات جمعی (همچون پادشاهی دیاآکو، آیین مهرپرستی، آیین زردشتی، رشادت‌های سرداران لک در زمان اسکندر و کریم خان زند) به سرزمین‌شان، کنشگران قوم لک در زندگی روزمره به سرزمین‌شان توجهی ندارند. آن‌ها بیشتر به تاریخ علاقه دارند تا به سرزمین‌شان دلیل این امر آن است فرایندهای قدرت سرزمین‌شان را مورد تهدید قرار نداده است. موسیقی: موسیقی از جمله عناصر فرهنگی‌ای است که قدرت زیادی در هویت‌سازی دارد. افراد به راحتی می‌توانند با گوش دادن نوع خاصی از موسیقی هویت جمعی خود را بیان کنند. با ورود ناگهانی مدرنیته، «مقام»‌های موسیقی لکی بازسازی نشدند، به جای آن موسیقی فارسی، کردی و لری جایگزین شد. این جایگزینی اختیاری نبود زیرا لک‌ها در برابر فراوانی و تنوع موسیقی‌های دیگر امکانات لازم برای بازسازی مقام‌های موسیقایی خویش نداشتند، تا این‌که در اواخر دهه هفتاد به کمک تکنولوژی‌های ضبط و صداگذاری جدید این مهم عملی گردید و موسیقی لکی بعد از سه دهه دوباره احیا شد و مورد توجه قرار گرفت. جدول شماره ۴، نشان می‌دهد که شیعیان سنتی موسیقی محلی را ترجیح می‌دهند.

جدول شماره ۴. گونه‌شناسی پاسخ‌گویان بر حسب مصرف موسیقی

گفت‌مان مذهبی	گفت‌مان مدرنیته	نوع مصرف
شیعه	سنتی	محلی
	مدرن	محلی، ملی، جهانی
اهل حق	سنتی	محلی (عرفانی)
	مدرن	محلی (عرفانی)

و با این عمل نوعی مقاومت فرهنگی را از طریق عدم توجه به موسیقی‌های دیگر بیان می‌دارند. شیعیان مدرن موسیقی محلی، ملی و جهانی را هم‌زمان می‌پسندند. آن‌ها از کیفیت

برتر موسیقی‌های ملی و جهان آگاه‌اند اما موسیقی محلی را صرفاً به خاطر تأکید بر هویت فرهنگی خویش گرامی می‌دارند.

رسانه‌ها کاری کرده‌اند که حتی در روستا هم می‌توان، موسیقی لس آنجلسی، هوی متال، راک و پینک فلوید گوش کرد، اما زمانی که سی دی «مور» باشد ما به‌طور ناخودآگاهی به سمت آن جذب می‌شویم هر چند که برخی اشعار آن بسیار سخت‌اند اما به عنوان این‌که بخشی از هویت ماست آن را گوش می‌دهیم و علاقه داریم. (برزو، خواننده محلی)

موسیقی در میان اهل حق‌ها جایگاه مهم و ارزنده‌ای دارد. در منزل اغلب آن‌ها ساز تنبور هست. تمام مراسم مذهبی آن‌ها با موسیقی همراه است. خلیل عالی‌نژاد، شهرام ناظری و استاد پیرحیاتی از بزرگان موسیقی اهل حق‌ها هستند که آوازه جهانی دارند. اهل حق‌ها موسیقی را به عنوان هویت فرهنگی خود می‌شناسند گاهی اوقات نیز موسیقی عرفانی ایرانی را به عنوان صدای حق مورد توجه قرار می‌دهند.

مصرف تلویزیون: نوع و میزان مصرف تلویزیون در هر جامعه‌ای حاکی از همسویی و یا ناهمسویی افراد با پیام‌های تولید شده از سوی ساختارهای تولیدکننده برنامه‌های تلویزیون هستند. داده‌های میدانی جدول شماره ۵، نشان می‌دهد که لک‌ها به جز اخبار، ورزش و برخی سریال‌ها که شبیه زندگی آنان است دیگر برنامه‌های تلویزیون را تماشا نمی‌کنند. شیعیان سنتی کمتر گزینه‌هایی همچون ماهواره و اینترنت در دسترس دارند به همین خاطر برخی سریال‌های تلویزیون را نیز می‌بینند. شیعیان مدرن فقط اخبار و ورزش را از طریق تلویزیون می‌بینند و دیگر برنامه‌ها را از طریق ماهواره نگاه می‌کنند.

جدول شماره ۵. گونه‌شناسی پاسخ‌گویان برحسب مصرف تلویزیون

میزان مقاومت	میزان مصرف	نوع برنامه‌های مصرفی	گفتمان مدرنیته	گفتمان مذهبی
زیاد	زیر متوسط	اخبار، ورزش، برخی سریال‌ها	سنتی	شیعه
زیاد	کم	اخبار، ورزش	مدرن	
زیاد اما دووجهی	کم	اخبار، ورزش	سنتی	اهل حق
زیاد	کم	اخبار، ورزش	مدرن	

تمام گونه‌های مورد مطالعه معتقدند که تلویزیون علاوه بر این‌که برنامه‌های جذابی ندارد سالیان درازی است که حتی برای یک بار هویت فرهنگی قوم لک را بازنمایی ننموده است. آن‌ها سکوت چندین ساله تلویزیون در برابر هویت‌شان را ناراحت‌کننده می‌دانند به همین خاطر در

برابر این رسانه مقاومت می‌کنند. این نوع مقاومت جنبه مثبتی دارد و آن این است که به دنبال محصولات فرهنگی محلی می‌روند و از تولیدکنندگان این محصولات حمایت می‌کنند. لوح فشرده (سی دی): لوح فشرده از جمله ابزارهای رسانه‌ای جدید است که انقلاب عظیمی را در تکنولوژی‌های رسانه‌ای به وجود آورد و قدرت بیشتری به مصرف‌کننده بخشید. جدول شماره ۶، نشان می‌دهد که این ابزار در طیف گسترده‌ای مصرف می‌شود، به این دلیل ساده که فضایی را خلق کرده که از طریق آن به راحتی می‌توان فیلم، طنز و آواز محلی و یا هر نوع محصول دلخواه را مصرف کرد.

جدول شماره ۶. گونه‌شناسی پاسخ‌گویان برحسب مصرف لوح فشرده

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	گستره مصرف	فیلم	طنز و آواز
شیعه	سنّتی	فراگیر	محلی، هندی	محلی، ملی، جهانی (هندی، ترکی)
	مدرن	فراگیر	محلی، جهانی	محلی، ملی، جهانی
اهل حق	سنّتی	متوسط	محلی	محلی، ملی (آواز شجریان و ناظری)
	مدرن	متوسط	محلی	محلی، ملی (آواز شجریان و ناظری)

در زمینه فیلم، شیعیان سنّتی اغلب فیلم‌های محلی و هندی را دوست دارند. اکثر مشتریان من [فروشنده] طرفدار فیلم‌های لکی همچون آرزوهای زمین، بی‌پلامار، گل‌دانه، لوزه خنه هستند. بعد از فیلم‌های خودمان بیشتر فیلم هندی نگاه می‌کنند به خاطر حال و هوای فیلم، رنگ‌ها، احساسات و همچنین قرابت‌های فرهنگی ما و هندی‌ها. اکثر جوانان این منطقه (کاکاوند) خود را به جای هنرمندان هندی همچون آمیتاباچان، شاهرخ خان، گویندا و سلمان خان می‌پندارند یا در مواردی که بخواهند از ظاهر و زیبایی دختری تعریف کنند می‌گویند شبیه سریدیوی یا آشوارای است. حبيب، سی‌دی فروش

تمایل آن‌ها به سینمای هندوستان به سبب مشابهت‌های فرهنگی و نیازهای اجتماعی است، چون هم‌گرایگاهی برای فرار از واقعیت‌های تلخ، و هم ارضاکنده آرزوهای سرکوب شده است، می‌توان به پیروی از ریچارد دایر (۱۳۸۱) گفت: این آرمان‌شهرخواهی در فیلم‌های [هندی] ناشی از نوعی نیاز واقعی است که در اجتماع به وجود می‌آید. شیعیان مدرن بیشتر به سینمای محلی و جهانی توجه دارند اولی به خاطر هویت محلی‌شان و دومی به خاطر مضمون‌هایش و همچنین عرصه‌های گسترده‌ای از حیات بشری که توسط این سینما کاویده

می شود. اهل حق ها کمتر علاقه ای به تماشای فیلم دارند. اما در همین حد هم به محصولات محلی توجه دارند. تیپ های مورد مطالعه توجه بیش از اندازه سینمای ایران به موضوعات کم محتوی و همچنین عدم توجه به فرهنگ های بومی ایرانی اسلامی - از جمله قوم لک - ابراز نارضایتی می کنند. از این رو مقاومت خود را از طریق لوح فشرده و مصرف محصولات جهانی و محلی بیان می دارند. در مورد برنامه های طنز و آواز، متغیر «گفتمان مذهبی» نقش مؤثری ایفا می کند. اهل حق ها تا آن جا این ابزار رسانه ای را به کار می گیرند که در خدمت آیین یاری (اهل حق) باشد در غیر این صورت آن را ابزاری در دست نیروهای خبیثه می دانند. شیعیان سنتی اغلب آواز «مور»^۱، طنزهای محلی و آوازهای هندی را مصرف می کنند. شیعیان مدرن محدودیتی نمی شناسند، ولی از خلال تمام محصولات فرهنگی آوازا و طنزهای لکی را به طور جدی مورد توجه دارند. این امر صرفاً به جهت بیان هویت فرهنگی است. مصرف از طریق لوح فشرده قدرت هویت سازی بسیار بالایی دارد. اول فرایندهای تفاوت در این زمینه فرد را مجبور می سازند که برای ابراز هویت اجتماعی خویش در برابر دیگران عناصر فرهنگی خود را تولید و یا مصرف کنند. دوم به خاطر دسترسی ارزان و کم حجم بودن، اکثر قریب به اتفاق افراد می توانند آن را مصرف کنند و معنایی را از این طریق بیان نمایند.

هذا: انتخاب نوع غذا، تشریفات خوردن و محل غذا خوردن بیانگر هویت جمعی افراد است جدول شماره ۷، نشان می دهد که متغیر «گفتمان مدرنیته» در انتخاب نوع غذا مؤثر است اما تشریفات غذا خوردن و محل غذا خوردن در میان همه لک ها به یک شیوه است.

جدول شماره ۷. گونه شناسی پاسخگویان برحسب غذا

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	انتخاب نوع غذا	تشریفات غذا خوردن	محل غذا خوردن
شیعه	سنتی	محلی (وجه غالب) ملی (در مواردی)	محلی	محلی
	مدرن	محلی، ملی، جهانی	محلی	محلی
اهل حق	سنتی	محلی (وجه غالب) ملی (در مواردی)	محلی	محلی
	مدرن	محلی، ملی، جهانی	محلی	محلی

۱. شور: آوازی است که سازهای موسیقایی در آن به کار نمی رود. لک ها در حالات شادی و غم آواز مور را اجرا می کنند. ابیات این آواز اغلب برگرفته از آثار شاعران بزرگی مانند ملامنوچهر، سید نوشاد، غلامرضا ارکوازی، ملاپیشان لک و دیگران است. مور از پرطرفدارترین مقام های موسیقایی در بین لک هاست. مور بیشتر غمگین و مبین دلنگی است. محتوی آن حاکی از رنج ها، امیدها و دلبستگی های عاطفی لک هاست. (نوری، قوم پژوه).

لک‌های سنتی در کنار غذاهای محلی (گرده، مویچه، هروش، کالوج ...) غذاهای ملی نیز مصرف می‌کنند. اما لک‌های مدرن بیشتر گرایش به سمت غذاهای ملی و جهانی دارند. تشریفات غذا خوردن در میان همه لک‌ها کاملاً محلی است. تا بزرگترها غذا خوردن را شروع نکنند کوچک‌ترها همچنان معطل می‌مانند، نوشیدنی را به یکدیگر تعارف می‌کنند، بعضی غذاها را با دست می‌خورند، در غذا خوردن خیلی نمادین عمل نمی‌کنند. به این معنا که براساس نیاز طبیعی ارگانیزم مبادرت به این کار می‌ورزند. محل غذا خوردن لک‌ها روی زمین و در پذیرایی است. به رغم این‌که میز غذاخوری دارند اما از آن استفاده نمی‌کنند. روی هم رفته انتخاب نوع غذا در سطح ملی هویت‌سازی می‌کند. اما تشریفات غذا خوردن و محل غذا خوردن محلی است. آن‌ها با این عمل سعی دارند که بر سنت آب و اجدادی شان صحه بگذارند. لباس: این عنصر فرهنگی متأثر از متغیر «نسل» است. سه نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، والدین و فرزندان. نسل اول لباس‌های محلی می‌پوشند، این لباس برای پیرزن‌ها سرو، ژیر سرو، کراس، جلیقه و در مواردی گلونی و برای پیرمردها شلوارهایی با دوخت خاص است. نسل دوم حالتی بینابین دارند زنان این نسل نتوانستند کاملاً لباس مادران‌شان را به دور اندازند. به همین خاطر سرو و ژیر سرو را کنار گذاشتند و به جای آن از روسری استفاده می‌کنند، اما همچنان کراس می‌پوشند. مردان به جای شلوارهای خاص پدرانشان، شلوارهای ساده با رنگ‌های تیره می‌پوشند که هیچ زیبایی خاصی ندارند. اما نسل سوم کاملاً لباس‌های نسل اول را به فراموشی سپردند و تحت تأثیر فرایندهای جهانی شدن به لباس‌های امروزی توجه دارند. این لباس‌ها برای پسران شلوار جین، پیراهن، تی شرت مارک‌دار، کفش‌های اسپرت و استفاده از روغن و ژل برای براق شدن موهاست. الگوی لباس پوشیدن اغلب آن‌ها ستارگان سینما است. اما در مورد دختران وضعیت به گونه دیگری است. در عرصه عمومی از چادر، مانتو و مقنعه استفاده می‌کنند. در حیطه خصوصی تحت تأثیر هنرپیشه‌های سینمای ایران و جهان‌اند. بنابراین در لباس پوشیدن نسل دوم و سوم لک‌ها هیچ‌گونه بیان هویت محلی دیده نمی‌شود. این حوزه جایگاه خودنمایی فرهنگ فرامدرن جهانی است.

اوقات فراغت: مشاهدات نشان می‌دهند که «گفتمان مدرنیته» نحوه گذران اوقات فراغت در میان لک‌ها را متمایز می‌کند. شیعیان سنتی که اغلب کارگر و کشاورز هستند در فصول بهار و تابستان کار و تلاش می‌کنند و وقت فراغت زیادی ندارند. مصرف محصولات فرهنگی از طریق لوح فشرده، بازی‌های کامپیوتری، بازی‌های محلی (پلان، قاون، کلاورانکی، خلان، گلوان، دال پلان، سلان، وژاشارکی، قارچان، زر مشتکی، چیکه چیکه)، مجالس شبانه و تریاک کشیدن اوقات فراغت این تیپ اجتماعی در فصل پاییز و زمستان‌اند.

جدول شماره ۸. گونه‌شناسی پاسخ‌گویان برحسب گذران اوقات فراغت

نوع اوقات فراغت	گفتمان مدرنیته	گفتمان مذهبی
محلی (وجه غالب) جهانی	سنّتی	شیعه
محلی، جهانی (وجه غالب)	مدرن	
محلی، (وجه غالب) جهانی	سنّتی	اهل حقّ
محلی (وجه غالب) جهانی	مدرن	

شیعیان مدرن بازی‌های محلی را کنار گذاشته و گیم‌نت، کافی‌نت، تماشای ماهواره را جایگزین آن‌ها نمودند. اما همچون سنّتی‌ها مجالس شبانه را حفظ کرده‌اند. اهل حق‌ها در بحث اوقات فراغت شبیه شیعیان هستند با این تفاوت که آن‌ها به مراسم سرسپاری و آیین جم خانه نیز علاقه‌مندند. این دو آیین نه تنها دینی و معنوی هستند بلکه به نحوی گذران اوقات فراغت نیز هستند و قدرت هویت‌سازی بالایی دارند. روی هم رفته می‌توان گفت اوقات فراغت شیعیان در سطح جهانی هویت‌سازی می‌کند. عناصر محلی کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شوند مع‌هذا عناصر محلی‌ای که هنوز حضور دارند هیچ دلالت معنایی برای هویت قومی ندارند. آن‌ها چون گزینه دیگری برای انتخاب ندارند به بازی‌های محلی روی می‌آورند.

دکوراسیون منزل: معماری داخلی، چیدمان و نوع عناصر به کار رفته در تزئین منزل تا حدودی بیانگر هویت فردی و جمعی افراد است. چنین به نظر می‌رسد که طبقه و یا گروه درآمدی مؤثرترین عامل در دکوراسیون منزل است. اما این امر در میان لک‌ها این‌گونه نیست. حتی شهرهای آنان نیز بالا شهر و پایین شهر ندارد. ثروتمندان و فقرا در کنار هم زندگی می‌کنند. معمولاً اهالی یک محله از یک طایفه و یا یک تیره‌اند. حتی نوع معماری و دکوراسیون داخلی منزل فقرا و ثروتمندان چندان تفاوتی با هم ندارند. مشاهدات نشان می‌دهند که متغیر «گفتمان مدرنیته» نقش مؤثری در تزئین منزل لک‌ها دارد. معماری داخلی لک سنّتی اغلب جهانی - محلی است. این معماری قابل تفکیک به سه گونه مجزا است. اول، اتاق‌های موازی در کنار هم که در جلوی آن‌ها یک ایوان با چندین ستون وجود دارد، این معماری در حال تبدیل شدن به ویرانه است. دوم، خانه‌هایی که بدون ایوان‌اند فقط یک درب ورودی دارند دارای هال و پذیرایی کوچک، اتاق‌های زیاد و آشپزخانه مجزاست. سوم، خانه‌ها بدون ایوان‌اند. فقط یک درب ورودی دارند، دارای هال و پذیرایی بزرگ، تعداد اتاق‌های کم و آشپزخانه «آپن» رو به پذیرایی است. این‌گونه معماری‌ها در میان همه گونه‌ها وجود دارند و تمایزی میان آن‌ها وجود ندارد.

جدول شماره ۹، گونه‌شناسی پاسخ‌گویان برحسب دکوراسیون منزل

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	نوع معماری داخلی	چیدمان منزل	شیوه رفتار کردن
شیعه	سنتی	جهانی - محلی	محلی	محلی
	مدرن	جهانی - محلی	جهانی - محلی	محلی
اهل حق	سنتی	جهانی - محلی	محلی	محلی
	مدرن	جهانی - محلی	جهانی - محلی	محلی

چیدمان داخلی لک‌های سنتی، محلی است یعنی بالش و پُشتی همراه با پتوی پهن شده، قالی‌های لاک‌ی رنگ در کف اتاق و پرده‌های بدون والان با رنگ‌های تند و طبیعی است. چیدمان داخلی منزل لک‌های مدرن جهانی - محلی است یعنی عبارت است از پشتی و قالی با رنگ ملایم همراه با مبلمان، تختخواب، آباژور، پرده‌های والان دار با رنگ ملایم و استفاده از تابلوهای نقاشی.

شیوه رفتار کردن در منزل در میان تمام گونه‌های مورد مطالعه، مبتنی بر آداب و رسوم گذشته با رعایت احترام بیش از اندازه برای بزرگ‌ترهاست. روی هم رفته لک‌ها عناصر مدرنی همچون آشپزخانه اوپن، مبلمان، میزناهارخوری، ویتترین را در کنار عناصر محلی خاصی همچون موج، بالش، گلیم، نمد، اسپند مثلثی، ساز تنبور ترکیب نموده‌اند. اما شیوه برخورد آن‌ها با اعضای خانواده و مهمانان به همان روال سنتی است آن‌ها با هجوم عناصر مدرن به درون زندگی‌شان همچنان هویت خود را حفظ نموده‌اند.

مراسم ازدواج: مراسم ازدواج در میان چهارگونه اجتماعی لک یکسان برگزار می‌شود. آنان اعتقاد زیادی به مراسم و مناسک دارند و به شیوه‌ای آیینی و باشکوه آن‌ها را برگزار می‌کنند. البته عناصر مدرن زیادی را جایگزین عناصر قدیمی نمودند، از جمله: ساز ارگ به جای سرنا و دهل، لباس عروس به جای گلونی، دوربین فیلمبرداری، آرایش عروس و استفاده از ماشین‌های جدید به جای اسب. مع‌هذا، عناصر قدیمی‌ای همچون رقص‌های لکی، موسیقی، لباس زنان (کراس) و رسوم متعدد، با ظرافت و دقت خاص برگزار می‌شوند. علاوه بر رسوم مذکور، رقص مراسم ازدواج کاملاً محلی‌اند مانند سربازی، شله شله، شوار شوار، فتراپاشای، سَمِلی سَمَا، گریان و دویا. این رقص‌ها هر کدام با آواز و مقام موسیقایی خاص خود اجرا می‌شود. پوشش زنان در مراسم ازدواج کاملاً محلی و خاص است. این لباس «کراس» نام دارد و اکثر زنان آن را می‌پوشند. مراسم عروسی حتماً در یک فضای باز یا بسیار وسیع اجرا می‌گردد و تمایزی بین زنان و مردان وجود ندارد. روی هم رفته علی‌رغم حضور عناصر مدرن همچنان هویت لکی این مراسم حفظ شده است. نوعی همنشینی عناصر عام (جهانی) و خاص (محلی) در این مراسم دیده می‌شود.

برخی رسم‌های کهن علی‌رغم غیرواقعی بودنشان همچنان از حیث معنایی و هویتی حضور دارند. این یکی از عناصر اصلی بازسازی هویت قومی است.

همسرگزینی: دایره همسرگزینی لک‌ها بسیار محدود است این محدوده در حد نظام خانواده و خویشاوندی (هوز) و طایفه است. فردگرایی در انتخاب همسر که از طریق رسانه‌ها تبلیغ می‌شود تأثیر چندانی بر همسرگزینی منطقه لکستان ندارد. لک‌ها در این حوزه توجهی به هویت قومی نشان نمی‌دهند و سعی می‌کنند هویت‌های کوچک‌تر را گرامی بدارند.

نام‌گذاری کودکان: انتخاب نام فرزندان کاملاً مقوله‌ای اختیاری است و فرد می‌تواند در این حیطه هویت فرهنگی خود را نمایان سازد. مشاهدات و مصاحبه‌ها نشان می‌دهند که نام‌گذاری نزد لک‌ها با دیگر هموطنان ایران تفاوتی ندارد. ولی مراسم نام‌گذاری آن‌ها متفاوت است. آن‌ها در این مراسم که در شب هفتم برگزار می‌شود و «پاولینی» نام دارد، از خویشاوندان دعوت می‌کنند و ولیمه‌ای را تدارک می‌بینند. مدعوین شب نام‌گذاری تا صبح بیدار می‌مانند. سروده ادبی «قال چهل سرور» در گذران شب تا صبح به آن‌ها کمک می‌کند. لک‌ها با اجرای این رسم هویت قومی خود را بازسازی می‌کنند.

مشارکت سیاسی: رفتار انتخاباتی لک‌ها نه براساس فردیت و مشارکت در احزاب بلکه براساس طایفه و قبیله است. بدین جهت تمایزی میان لک‌ها دیده نمی‌شود. خاص‌گرایی بیش از اندازه لک‌ها آن‌ها را از پرداختن به هویت‌های کلان‌تری همچون قوم و ملت دور می‌سازد. پیرمردان سلف خر که نقش مهمی در میان قبیله و طایفه دارند مهم می‌شوند. از آن‌جا که سوداگری جزو حرفه آن‌هاست، منافع شخصی را به منافع جمعی ترجیح می‌دهند. تحصیل کرده‌ها نیز وارد این بازی می‌شوند و این رقابت قبیله‌ای را تداوم می‌بخشد.

احساس تعلق زبانی: زبان از جمله مهم‌ترین عناصر بر ساختن هویت جمعی افراد است. لکستان یک حوزه فرهنگی است که زبان و ادبیات‌شان از عمق و غنای زیادی برخوردار است. غنای واژگانی، ضرب‌المثل‌های زیاد، قالب زبانی‌ای را به وجود آورده است که لک‌ها فکر می‌کنند از طریق آن جهان اطرافشان را بهتر درک می‌کنند. به همین دلیل آن‌ها زبان خود را در مقایسه با زبان‌های لری، کردی و فارسی، مناسب‌تر می‌دانند. داده‌های جدول شماره ۱۰، نشان می‌دهد که لک‌های سنتی به این دلیل به زبان لکی علاقه‌مندند که تنها ابزار برای بیان ارتباط آن‌ها است، تنها زبانی است که به خوبی با آن تکلم می‌کنند. اما لک‌های مدرن به خاطر تحصیلات و یاد گرفتن زبان‌های فارسی، انگلیسی (در مواردی) و برخورد با دیگر زبان‌های قومی ایران، آگاهانه زبان خود را برتر می‌دانند.

جدول شماره ۱۰. گونه‌شناسی پاسخ‌گویان برحسب احساس تعلق به زبان

گفتمان مذهبی	گفتمان مدرنیته	احساس تعلق به زبان
شیعه	سننی	محلی (ناآگاهانه)
	مدرن	محلی (آگاه به توانش زبان)
اهل حق	سننی	محلی (ناآگاهانه)
	مدرن	محلی (آگاه به توانش زبان)

قبل از آشنایی با دیگر زبان‌ها، چندان به زبان خودمان [لکی] (توجهی نداشتیم اما بعداً متوجه شدم همه چیز زبانمان اصیل و ریشه‌دار است. واژگانی در آن هست که وضعیتی ارتباطی را بیان می‌دارند که معادل آن در هیچ جای دیگری نیست. مانند «ثرای تُو» اصلاً قابل ترجمه نیست هر جور که آن را ترجمه کنی معنای خود را از دست می‌دهد. یا با گفتن کلمه «ایواره» حس عجیبی پیدا می‌کنیم اگر معادل فارسی آن یعنی غروب را به کار ببریم چنین حسی در ما ایجاد نمی‌شود. ایمانی، پژوهشگر فرهنگ عامه

شیعیان مدرن در دو دهه پیش چنین دیدگاهی نسبت به زبان خود نداشتند. آن‌ها به لحاظ فرهنگی نوعی خودکم‌بینی احساس می‌کردند. بنابراین، سعی می‌کردند که به فرزندان‌شان زبان فارسی بیاموزند. اما الآن این‌گونه نیست. یعنی علاوه بر زبان فارسی که خیلی برای آن احترام قائل هستند زبان لکی را نیز گرامی می‌دارند و به آن افتخار می‌کنند. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز لک‌ها زبان است. توجه لک‌ها به زبان خویش منطبق با منطق جهانی شدن است، به این معنا که آن‌ها ضمن آشنایی با فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر توان زبان خود را برتر می‌دانند. به همین خاطر مقاومت فرهنگی خودشان را با مطرح کردن ادبیات کهن و تدوین فرهنگ لغت لکی، همایش «مور» و زبان لکی و این‌که در جلسات رسمی به زبان لکی سخنرانی می‌کنند، بیان می‌دارند.

اهل حق‌های مدرن هیچ وقت نسبت به زبان خود احساس خودکم‌بینی ننمودند، زیرا که لکی زبان دینی آن‌هاست. «دفتر رموز یارسان» - از جمله کتاب‌های مذهبی - به زبان لکی است. اهل حق‌های که دارای زبان‌های دیگری هستند سعی می‌کنند زبان لکی را یاد بگیرند تا از آن طریق بتوانند به کتب آیین یاری مراجعه کنند. لک‌ها به هنرمندان عرصه زبان و ادبیات‌شان توجه وافری نشان می‌دهند تا در دنیای مدرن به زندگی آن‌ها معنا ببخشند. کتاب گلزار ادب لرستان که توسط غضنفری و رضایی (۱۳۷۲) گردآوری و تدوین شده است و در آن زندگی‌نامه و برخی آثار مطرح شاعران لک گردآوری شده است، نمونه بارز این مدعا است. کتاب مذکور همچون

شیء مقدسی است که در خانه اکثر لک‌ها پیدا می‌شود و برای بیان خود و اظهار وجود به لحاظ فرهنگی سریعاً به آن مراجعه می‌کنند.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری هویت فرهنگی در فضای جهانی شدن امری یکپارچه و یکسان نیست. حتی در درون یک قوم نیز تمایزات فرهنگی متعددی وجود دارد. با این حال، عناصری در درون یک قوم پیدا می‌شوند که اکثر اعضای آن قوم تلقی یکسانی از آن دارند. چنین عناصری آن‌قدر در درون یک حوزه فرهنگی تداوم می‌یابند که به خصیصه فرهنگی آن قوم تبدیل می‌شوند و تفاوت‌های درون قومی تأثیر چندانی در تلقی همه‌جانبه از آن‌ها ندارند. زبان، مراسم ازدواج، همسرگزینی، مراسم نام‌گذاری کودکان، تشریفات غذا خوردن و محل غذا خوردن از جمله این موارد هستند. خاص بودن این موارد بیانگر هویت قوم لک هستند. در برخی مؤلفه‌ها از جمله معماری داخلی، نوع غذای مصرفی و مراسم ازدواج مشاهده می‌شود که تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، عناصر عام و عناصر خاص به گونه‌ای مسالمت‌آمیز در کنار هم قرار گرفته‌اند و ترکیب ظریفی از امر عام و امر خاص را به وجود آورده‌اند. لک‌ها در برابر ورود ناخواسته عناصر عام، عکس‌العمل دفاعی نداشته‌اند بلکه سعی کرده‌اند آن‌ها را با خلاقیت‌های خاصی در درون فرهنگ خویش به شیوه‌ای عام‌گرایانه بازسازی کنند. با این همه از لابه‌لای عناصر فرهنگی متعدد هویت خود را نیز برجسته و حفظ کرده‌اند. علی‌رغم شباهت‌های مذکور، برساخته شدن هویت فرهنگی از جهانی در درون چهار گونه فرهنگی مطرح شده متفاوت است.

شیعه سنتی: جهانی شدن تأثیر نسبتاً زیادی در میان این گروه دارد. مصرف زیاد فیلم، تلویزیون، طنز، آواز، موسیقی محلی از طریق لوح فشرده و توجه به زبان محلی بیانگر احساس تعلق این گروه به هویت قومی‌شان است. آن‌ها در طول دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ به علت عدم دسترسی به امکانات تکنولوژیک نمی‌توانستند محصولات فرهنگی تولید کنند. اما از اواخر دهه ۷۰ دوربین‌های دیجیتال، ارزشان قیمت، دستگاه‌های صداگذاری و میکس قابل دسترس برای همگان امکان بازنمایی هویت فرهنگی را به آن‌ها داد و آن‌ها نیز آثار قابل‌اعتنایی را تولید کردند که اغلب آن‌ها بازسازی فرهنگ سنتی و «مقام»‌های موسیقایی قدیم است. تأکید بر هویت فرهنگی محلی ویژگی اکثر این آثار است.

شیعه مدرن: جهانی شدن بیشترین تأثیر را در میان این‌گونه دارد. این گروه علاوه بر مصرف محصولات رسانه‌ای ملی و جهانی در کنار محصولات محلی سعی می‌کنند از طریق نوشتن کتاب، مقاله گذشته تاریخی لک‌ها را بازسازی کنند. در این بازسازی، تاریخ خود را آن‌قدر به

گذشته برمی‌گردانند که با اسطوره‌ها در هم می‌آمیزد. آن‌ها همچنین در معرفی ادبیات کلاسیک خود به نسل جوان فعال هستند. زمان (تاریخ) و زبان از قدرت هویت‌سازی محلی بالایی در نزد این گروه برخوردارند. دلیل این امر قرار گرفتن آن دو در درون فرایندهای نابرابر قدرت (در مقایسه با اقوام همسایه)، تفاوت در فضای جهانی شدن است.

اهل حق سنتی: در مقایسه با گونه‌های دیگر جهانی شدن کمترین تأثیر را در میان این‌گونه دارد. دلیل این امر آن‌گونه که توضیح داده شد به آموزه‌های مذهبی آنان مربوط می‌شود. موسیقی و توجه به آیین‌های مذهبی و زبان مهم‌ترین عناصر در احساس تعلق این گروه به هویت لکی است. موسیقی نزد آن‌ها فقط عنصری فرهنگی نیست بلکه ندای حق است و مقدس. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز برای این‌گونه است.

اهل حق مدرن: تأثیر جهانی شدن در میان این‌گونه بیشتر از اهل حق‌های سنتی است. آن‌ها نیز به موسیقی و مراسم مذهبی توجه زیادی دارند. علاوه بر این تاریخ و زبان نیز بیشترین عرصه فعالیت این گروه است. اما تفاوت این گروه با «شعبه مدرن» در زمینه ادبیات این است که شیعیان بیشتر از طریق اسطوره‌های باستانی (ایران باستان) به بازسازی گذشته می‌پردازند اما اهل حق‌ها به‌طور همزمان از طریق اسطوره‌های باستان و زندگی بزرگان آیین خویش به این امر مبادرت می‌ورزند.

بدین ترتیب هویت قومی موجودیتی انتزاعی نیست که بتوان با مشخص کردن عناصر فرهنگی حد و مرزهای آن را مشخص کرد. این عناصر به خودی خود بیانگر هویت جمعی افراد نیستند. بررسی ویژگی‌های یک گروه از جمله زمان، مکان، شیوه زندگی و زبان در درون همان گروه، توشه‌ای برای بحث‌های هویتی به ارمغان نخواهد آورد. این عوامل زمانی که در درون فرایندهای جهانی شدن، تفاوت و مقاومت قرار گیرند و افراد آن‌ها را به عنوان استراتژی‌هایی برای بیان خود به کار ببرند، توان هویت‌سازی خود را به نمایش می‌گذارند. چنین است که هویت را باید در جایگاه تاریخی خود و وابسته به متن و زمینه خاص خودش بررسی کرد.

سرزمین قدرت هویت‌سازی چندانی ندارد، چرا که در درون فرایندهای قدرت و تفاوت قرار ندارد به بیان دیگر مورد تعرض قرار نگرفته و چندان محل مناقشه نیست؛ گذران اوقات فراغت (به‌ویژه نزد مدرن‌ها)، لباس پوشیدن (به‌ویژه نسل جوان) هویت‌سازی جهانی دارند. این مؤلفه عموماً نزد اکثر فرهنگ‌های ایرانی به یک شیوه است و تمایزاتی در میان آن‌ها دیده نمی‌شود؛ نام‌گذاری کودکان مؤلفه‌ای است که در سطح ملی هویت‌سازی می‌کند یعنی بیانگر ایرانی بودن افراد است و چندان وابسته به قوم یا گروه فرهنگی خاصی نیست. فرایندهای قدرت نقش چندانی در این زمینه ندارند، چرا که نام افراد بیانگر هویت اجتماعی آن‌ها نیست و از این طریق نمی‌توان کسی را مورد پذیرش یا طرد قرار داد.

منابع

- استارک، فریا (۱۳۶۴) *سفرنامه الموت: لرستان و ایلام*، ترجمه محمدعلی ساکی، تهران: انتشارات علمی.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰) *قوم لک: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۶۷) *تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی ج اول.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹) *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱) *جهانی شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تسویک، استفان (۱۳۸۳) *سه استاد سخن: بالزاک، دیکنز، داستایفسکی*، تهران: نشر نی.
- جیمسون، فردریک و دیگران (۱۳۷۹) *منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر*، ترجمه مجید محمدی، تهران: نشر هرمس.
- دایر، رچارد (۱۳۸۲) *سرگرمی و آرمان‌شهر*، ترجمه نیما ملک‌محمدی، در مطالعات فرهنگی به ویراستاری سایمون دورینگ، تهران: انتشارات تلخون.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۳) *فوائد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راولینسون، هنری (۱۳۶۰) *گذر از ذهاب تا خوزستان*، ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- رابرتسون، رولند (۱۳۸۱) *جهانی شدن، تئوری اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پیلادی، تهران: نشر ثالث.
- رابرتسون، رولند (۱۳۸۳) «جهانی - محلی شدن: زمان - مکان و همگونی - ناهمگونی»، ترجمه مراد فرهادپور، فصلنامه *ارغنون*، شماره ۲۴، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رحیمی عثمانوندی، رستم (۱۳۷۹) *بومیان دره مهرگان*، کرمانشاه: انتشارات ماهیدشت.
- غضنفری، اسفندیار (۱۳۶۲) *گلزار ادب لرستان*، تهران: مرکز بخش شاهد.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، زمستان.
- کاستلز، ایمانوئل (الف) (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، ویراستار ارشد، علی پایا، تهران: طرح نو.
- کاستلز، ایمانوئل (ب) (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، قدرت و هویت، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، ویراستار ارشد، علی پایا، تهران: طرح نو.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- وبر، ماکس (الف) (۱۳۸۲) *روش‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.
- هال، استوارت (الف) (۱۳۸۳) *بومی و جهانی: جهانی شدن و قومیت*، ترجمه بهزاد برکت فصلنامه *ارغنون*، شماره ۲۴، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

هال، استوارت (ب ۱۳۸۳) *هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید*. ترجمه شهریار وقفی پور، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Fea therston, M. (1995) *undoing culturer*. london: sage.

Hall, S. "The Question of Cultural Identity" in S, Hall. D, Held and T,Mc Grow. (eds), *Modernity and its Futures*, Cambridg: Polity.

Hobsbawm,E. J and T.Ranger (1983) *The Invention of Tradition* Cambridge: University Press.

Mc, Grew, A. (1996) "A Global Society" in S,Hall. D,Held and T,Mc Grow. (eds), *Modernity and its Futures*, Cambridg: Polity.

Morley, D (1996) *Space of Identity*, London Routledge

Ritzer, G.(1999) *The Mc Donaldization Thsis*, London: Sage

غلامعباس توسلی استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. علایق پژوهشی وی در زمینه نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی کار و شغل، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و جامعه‌شناسی دین است.
g_tavasoli@yahoo.com

سیاوش قلی‌پور دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. علایق پژوهشی وی در زمینه فلسفه علوم اجتماعی و روش‌شناسی، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی شهری است. (نویسنده مسئول).
Sia532004@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی